

شهروندی بوم شناختی و هوش معنوی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تبریز)

محمدباقر علیزاده اقدم، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران *

حسین بنی فاطمه، استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

محمد عباس زاده، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

سعید سلطانی بهرام، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

تأثیر زیانبار فعالیت های انسان بر جهان طبیعی نگرانی های عمومی فراوانی به همراه داشته، به طوریکه، منجر به شکل گیری نوع جدیدی از شهروندی تحت عنوان شهروندی بوم شناختی شده است. شهروندی بوم شناختی بر مسئولیت پذیری داوطلبانه و متعهدانه شهروندان در ارتباط با جهان طبیعی بنا شده است. در این پژوهش، ارتباط شهروندی بوم شناختی با هوش معنوی با استفاده از روش پیمایشی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور از دیدگاه های بوم شناسی انسانی، پارادایم بوم شناختی جدید و بوم شناسی ژرف استفاده شده است. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که با بهره گیری از پژوهش های خارجی طراحی و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مولفه های آن مشخص و بومی سازی شده است. جامعه آماری تحقیق، شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز در سال ۹۴ هستند که ۶۷۰ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران و به شیوه نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که، وضعیت شهروندی بوم شناختی از وضعیت خوبی در بین شهروندان تبریزی برخوردار است و در طیف ۶ گزینه ای لیکرت، در بین گزینه های ۴ و ۵ قرار می گیرد. همچنین در میان ابعاد ۱۱ گانه شهروندی بوم شناختی، همه ابعاد از میانگین متوسط به بالایی برخوردار هستند اما بعد عضویت در انجمن های زیستی دارای کمترین میانگین بوده است. همچنین، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین هوش معنوی و مولفه های آن با شهروندی بوم شناختی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد ($F=0/363$). نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد که از میان ابعاد چهارگانه هوش معنوی، دو بعد "جامع نگر و بعد اعتقادی" و "سجایای اخلاقی" توانسته اند ۲۷/۵ درصد واریانس مربوط به شهروندی بوم شناختی را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: شهروندی بوم شناختی، هوش معنوی، جامع نگر و بعد اعتقادی، شهروندان، تبریز

مقدمه و بیان مسأله

مسئولیت و وظیفه مراقبت از محیط زیست به معنای تعهدات و مسئولیت‌های شهروندان است. این وظیفه از نظر شیوه‌های انتخاب سبک زندگی فردی و جمعی دارای پیامدهایی است. لذا چنین دیدگاهی است که ما را به بازاندیشی در شیوه‌های نگرستن به روابط انسان با طبیعت وادار می‌کند، به ویژه مسائل بوم‌شناختی، که چشم‌اندازهای چالش‌انگیزی را در برابر جامعه‌شناسان می‌گشاید. تفکر بوم‌شناختی در پی آن است که، چگونه در جوامع مختلف، رابطه میان روستا و شهر، جامعه و طبیعت، و انسان‌ها با حیوانات شکل گرفته اند (استیونسون، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

در حوزه مطالعات محیط زیست، رویکردهای عمده‌ای وجود دارد لیکن، آنچه مطرح نظر اندیشمندان می‌باشد تفسیر بوم‌شناختی است که کاتن^۱ و دانلپ^۲ با نام "کارکردهای زیست محیطی رقیب"^۳ ارائه کرده‌اند. افرادی نظیر پارک، معتقدند که دخالت انسان به شکل توسعه شهری و آلودگی صنعتی، موجب برهم خوردن تعادل زیستی می‌شود (هانیکان، ۱۳۹۲). بنابراین، آنچه که مهم است این است که، مسئولیت و وظیفه جوامع انسانی در ارتباط با محیط زیست اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

شهروندی بوم‌شناختی بر این اصل بنا شده است که شهروندی مختص یک منطقه جغرافیایی و یک نژاد نیست، بلکه مفهومی جهانی است که بعد زمان را نیز به آن می‌افزاید، یعنی اینکه شهروندی تنها معطوف به افراد زمان حاضر نمی‌شود، بلکه نسل‌های آینده نیز باید از حق داشتن طبیعت و زندگی سالم برخوردار باشند.

شهروندی بوم‌شناختی جهانی اغلب به عنوان مسئولیت در قبال طبیعت قلمداد می‌شود که گاهی به عنوان «نظارت زیست محیطی»^۴ از آن یاد می‌شود. مسئولیت شهروندان در

قبال محیط زیست اغلب به مشارکت وسیع‌تر در زندگی سیاسی مرتبط است. استیوارد^۵ پیشنهاد می‌کند که شهروندان، باید با متخصصان در ارزیابی خطرات زیست محیطی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد و در راه‌های مقابله با آن، مشارکت نمایند. سیاست جنبش محیط زیست اساساً شامل نفوذ بر دولتها و نهادهای بین‌المللی برای قانونگذاری در مورد استانداردهای زیست محیطی، مبارزات و تبلیغات رسانه‌ای برای تأثیر گذاری بر انتخاب‌های مصرف‌کنندگان و تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مشترک، ارائه آموزشها و اطلاعات زیست محیطی و ... می‌شود. اما تغییر انتخاب مصرف‌کنندگان از دیدگاه محیط زیست گرایان می‌بایست منجر به تغییر در نگرش شهروندان گردد نه اینکه در رفتار شهروندان موثر باشد.

در این راستا، یکی از مسائلی که انسان‌ها به طور مشترک با آن روبرو هستند به بوم‌شناسی زیست محیطی مربوط می‌شود. مسائل بوم‌شناختی نه فقط به این مربوط می‌شوند که چگونه می‌توان به بهترین نحو با آسیب‌های زیستی - و فجایع صنعتی پی در پی - مقابله و آن‌ها را کنترل کرد، بلکه به روش زندگی در جوامع نیز مربوط هستند. تأثیر زیانبار فعالیت‌های انسان بر جهان طبیعی موجب ترس و نگرانی عده زیادی شده است (Dunlap & Jones, 2002). نگرانی عمومی نسبت به محیط زیست به شکل‌گیری جنبش‌های مختلفی انجامیده که رشته مشترک و پیوند دهنده همه آنها دغدغه دفاع از محیط زیست جهان و حفاظت از منابع آن به جای به انتها رساندن آن، و حفاظت از باقی مانده‌های گونه‌های جانوری است.

بنابراین، چنانچه افراد بتوانند در پیوند گریزناپذیر با محیط طبیعی به خود هویت ببخشند، عقاید انسان‌مرکزی مبنی بر تفوق انسانی به چالش کشیده شده، ممکن است جامعه‌ای بوم‌مرکز ایجاد کند که به جای اینکه اکوسیستم‌های طبیعی را ندیده بگیرد، طبیعت را در اولویت اول قرار داده و

¹ Catton

² Dunlap

³ Competing environmental functions

⁴ Environmental Stewardship

⁵ Steward

تعهدات افراد شهروند به سوی موجودات غیرانسانی، نسل‌های آینده و افراد خارجی دارد که تحت تاثیر اعمال ما قرار دارند. همان گونه که بری (Barry, 1999: 231) مطرح می‌کند: «شهروندی بر وظیفه و تعهد شهروندان برای مسئولیت پذیری در قبال اعمال و انتخاب های شان و تعهد به انجام کوچک ترین کار در مجموعه ای از اقدامات برای پایداری» تاکید می‌کند. در این مفهوم دولت ها می توانند برخورد مهمی داشته باشند، اما آنها به افرادی نیاز دارند که مسئولیت های شان را در چنین حوزه هایی در قالب حفاظت از انرژی، مصرف آگاهانه مواد بازیافتی و زیست محیطی به عهده بگیرند.

با توجه به اینکه شهر تبریز به عنوان بزرگترین اجتماع زیستی در شمال غرب و غرب کشور محسوب می شود و همچنین، دارای مرکزیت اداری، صنعتی، اقتصادی و سطح بالای تمرکز فعالیت های صنعتی و خدمات بوده و به عنوان قطب جاذب و شهر مسلط، نقش ماکروسفالی (بزرگ سری) را در منطقه ایفا می نماید. با توجه به این تمرکز، این شهر رشد شتابانی در افزایش جمعیت ساکن داشته و توسعه ناپایدار شهری را به همراه داشته است. به تبع این امر، فشارهای فیزیکی و طبیعی، انواع آلودگی هوا و آلودگی صوتی، تولید انبوه زباله و دیگر مخاطرات زیست محیطی در شهر تبریز رو به گسترش است. از طرف دیگر، شهر تبریز به عنوان تنها کلان شهر منطقه غرب کشور، پذیرای مهاجران زیادی از مناطق اطراف خود بوده است به طوریکه، محدوده شهر طی پنج دهه گذشته بیش از پنج برابر شده است (بزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳؛ بابایی اقدم، ۱۳۸۶: ۱۷۰). لذا، با عطف توجه به موارد مذکور، مطالعه شهروندی بوم شناختی و عوامل مرتبط با آن ضروری به نظر می رسد.

شهروندی بوم شناختی از لحاظ سنت نظری در دوره سوم مطالعات شهروندی - دوره مابعد جهانشهری - واقع شده است که یکی از ویژگی های این دوره توجه به ارزش های اعتقادی و اخلاقی می باشد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه هوش معنوی بر ویژگی های اخلاقی و اعتقادی افراد استوار

سازمان‌های اجتماعی را متناسب با آن شکل دهد. آنچه این تغییرات را ایجاد می کند، ظهور شکل جدیدی از شهروندی است که اسمیت^۱ (۱۹۹۸) آن را شهروندی بوم شناختی^۲ و دابسون بل^۳ (۲۰۰۶) آن را شهروندی زیست محیطی^۴ نامیده است. آنچه اسمیت به عنوان شهروندی بوم شناختی مطرح کرده، نوعی از شهروندی است که در آن حقوق و مسئولیت‌های شهروندی اکولوژیکی، محوریت آن را شکل می‌دهد (ساتن، ۱۳۹۲: ۹۶).

شهروندی بوم شناختی بر مبنای شهروندی اجتماعی ساخته شده است. در شهروندی بوم شناختی تصریح شده است که شهروند به دنبال گسترش اصول جهانی مرتبط با حقوق زیست محیط و گنجاندن آن در قانون، فرهنگ و سیاست می باشد. در شهروندی بوم شناختی حد و مرزی بین حوزه عمومی و خصوصی مطرح نمی شود. این موضوع، به این معنی است که، تصمیمات ما در زندگی روزمره - مانند اینکه با آشغال و زباله چه کنیم، چگونه سفر کنیم، چه چیز بخوریم - به اندیشیدن در رابطه با پیامدهای زیست محیطی آنها نیاز دارد (کھیل، ۱۳۸۷: ۱۸۵). به علاوه، شهروندی بوم شناختی اظهار می کند که، ما تعهدمان را نسبت به جانوران تشخیص دهیم و اینکه در این دنیا ما تنها موجودات ذی شعور نیستیم و باید اثر شیوه زندگی انسان را بر حیات جانوران و سایر موجودات زنده طبیعت در نظر بگیریم (Smith, 1998). لایت^۵، شهروندی بوم شناختی را مسئولیت‌پذیری انسان در ارتباط با طبیعت قلمداد می کند و معتقد است که شهروندی بوم شناختی بر مسئولیت پذیری داوطلبانه و متعهدانه شهروندان بنا شده است (Kelly & Abel, 2012: 4).

شهروندی بوم شناختی راهی است که به وسیله آن جوامع مصرفی به جوامعی تبدیل می شوند که در آن تاکید عمده بر محیط زیست می باشد. این نظریه (پارادایم) تاکید شدیدی بر

¹ Smit

² Ecological Citizenship

³ Dobson Bell

⁴ Environmental Citizenship

⁵ Andrew Light

با توجه به مطالب مطرح شده، ابتدا شهروندی بوم شناختی در میان شهروندان شهر تبریز به تشریح مورد بررسی قرار گرفته، و ابعاد و مولفه های آن به صورت کامل مطرح شده است. سپس ارتباط شهروندی بوم شناختی و هوش معنوی در میان شهروندان تبریز مورد آزمون قرار گرفته است. بنابراین، هدف پژوهش عبارت است از این که، هوش معنوی را به عنوان یکی از پیش بینی کننده های شهروندی بوم شناختی مورد بررسی قرار دهد.

مبانی مفهومی و نظری

شهروند از واژه لاتین *civis* نشأت گرفته است و خود این مفهوم می تواند حتی پیشتر تر از آن با واژه یونانی *polites* ردیابی شود. شهروند نقش شریک را در جامعه خویش ایفا می کند و این بدان معناست که وی از حقوق معینی برخوردار بوده و تابع تکالیف و وظایف مشخصی است. ویژگی لازم شهروندی این است که شهروندان، تنها شهروند باشند و به موجب قانون مشارکت برای آنها حق اساسی به شمار می آید (نرگسیان، ۱۳۹۳: ۴). همچنین شهروندی می تواند از یک دیدگاه جامع تر بر حسب چهار جزء تحت عناوین حقوق، تکالیف، مشارکت و هویت تعریف شود. در مجموع حقوق و تکالیف به ابعاد رسمی شهروندی و مشارکت و هویت، به ابعاد ذاتی و غیررسمی شهروندی اشاره دارند (Delanty, 2007: 16).

اکولوژی در لغت به معنی "بوم شناسی" آمده است و به معنی رابطه طبیعی میان گیاهان، حیوانات و انسان ها از یک طرف و محیط زیست از طرف دیگر می باشد. عنوان بوم‌شناسی مفاهیم گسترده‌ای را در همه زمینه ها بیان می‌دارد. این عنوان ابتدا در مورد "وابستگی گیاهان و حیوانات به محیط طبیعی" به کار گرفته شد. از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بوم‌شناسی مورد توجه دانشمندان شاخه های مختلف علوم قرار گرفته است (هاشمی دیزج، ۱۳۹۳: ۲). بوم‌شناسی برای اولین بار توسط هیکل^۱ مطرح شد. امروزه نیز بوم‌شناسی را مطالعه سیستم های طبیعی در سطحی می دانند که در آن

است، این امر می تواند هوش معنوی را با شهروندی بوم شناختی مرتبط کند. با عنایت به مولفه های شهروندی بوم شناختی، هوش معنوی و ابعاد آن می تواند در شکل دهی رفتارهای شهروندی بوم شناختی موثر باشد. هوش معنوی داشتن رفتاری خردمندانه توأم با حس همدردی است، به گونه‌ای که فرد بتواند آرامش درون و بیرونش را با وجود شرایط و پیرامونش به خوبی حفظ کند (Wigglesworth, 2011). در شهروندی بوم شناختی، بعد اخلاق زیست محیطی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد قلمداد می گردد. بنابر این، در این پژوهش، ارتباط هوش معنوی با شهروندی بوم شناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

در ارتباط با اهمیت این پژوهش می توان بیان کرد که، نوع رفتار و کنش با محیط زیست، اهمیت اساسی در زندگی انسان‌ها دارد زیرا، محیط زیست طبیعی پایه زندگی انسان است و حفظ زندگی انسان مستلزم حفظ محیط زیست است. از طرف دیگر، رفتارها و کنش های افراد و شهروندان می توانند تاثیر دوگانه ای بر محیط اطراف انسان داشته باشند. از یک سو، رفتارها و فعالیت های شهروندان در ارتباط با محیط پیرامون آنها می تواند موجب وارد آمدن لطمات و آسیب های جدی بر محیط زیست باشد (Dunlap et al, 2002/Jackson, 2006). کما اینکه، اکثر اندیشمندان نابسامانی ها و برهم خوردن تعادل زیست محیطی را در نتیجه رفتارهای نابخردانه انسان می دانند که مسائل و مشکلاتی نظیر؛ آلودگی های جوی، اتلاف منابع، انتشار گازهای گلخانه ای و ... را به بار آورده است. از سوی دیگر، رفتارها و کنش های شهروندان می تواند مبتنی بر نگاه اکولوژیک نسبت به محیط پیرامون بوده و به طور بهینه از منابع طبیعی استفاده شود. در این راستا، هوش معنوی عاملی است که می تواند در نگاه اکولوژیک انسان نسبت به جهان هستی موثر باشد. مفهوم هوش معنوی بر نقش، اهمیت و جایگاه عنصر معنویت در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان تاکید می نماید که مدت ها به دلیل حاکمیت تفکر علمی و رفتارگرایانه و نیز تسلط مادی‌گرایی در زندگی بشر مورد غفلت بوده است.

¹ Heackel

ارزش های معنوی می داند (امینی جاوید و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴). ویگلورث^۶ (2006) هوش معنوی را به عنوان توانایی و زندگی توام با خرد و شفقت، سازگاری و انطباق با جهان درونی و عینی (واقعی) فارغ از شرایطی که فرد در آن قرار دارد، تعریف می کند. وی همچنین، قابلیت های هوش معنوی را در قالب چهار حیطه اصلی شامل آگاهی از خود و خود متعالی، آگاهی از جهان هستی، تسلط بر خود و خود متعالی و حضور معنوی و تسلط اجتماعی مطرح و مورد بحث قرار می دهد. کینگ^۷ (2008) نیز با تعریف هوش معنوی به عنوان مجموعه ای از توانایی ها و ظرفیت های ذهنی انطباقی که مبتنی بر ابعاد غیرمادی و متعالی است، مولفه های آن را شامل تفکر وجودی (هستی شناسانه) انتقادی (توانایی تفکر و تامل نقادانه در مورد معناداری، هدف، هستی ماورایی)، تولید معانی شخصی (توانایی ایجاد حس معناداری فردی در زندگی و خلق اهداف)، هوشیاری متعالی (توانایی کشف و شناخت ظرفیت های ورای مادی، غیرمادی و کل نگر) و گسترش حالت آگاهی و هوشیاری (توانایی تجربه و ورود به مراحل بالای رشد معنویت، اتحاد، وحدت و یکپارچگی با کل هستی) می داند (امینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸). همه این موارد به خوبی گواه آن است که هوش معنوی می تواند به عنوان یکی از پیش نیازهای توفیق افراد در بروز رفتارهای شهروندی باشد.

در ذیل به چند دیدگاه نظری با محوریت شهروندی بوم شناختی اشاره می گردد.

از دیدگاه بوم شناسی انسانی، تبیین بوم شناختی محیط زیست ریشه در بوم شناسی انسانی دارد. پارک معتقد بود که دخالت انسان به شکل توسعه شهری و آلودگی صنعتی، «تعادل زیستی»^۸ را بر هم می زند و نظم این زنجیره را مختل می کند. نخستین منبعی که پارک برخی اصول خود را از آن وام گرفت و در مورد اجتماعات و جمعیت های انسانی به

انسان ها با کل موجودات زنده به عنوان اجزایی از یک سیستم با هم در کنش متقابل هستند. این کنش متقابل هم بین خود اجزا و هم بین عوامل غیرزنده محیط برقرار است (Erlhoff & Marshall, 2008).

هوش معنوی سازه جدیدی است که توسط محققان و اندیشمندان حوزه دین و معنویت مطرح شده و گسترش پیدا کرده است. هوش معنوی ترکیبی از عناصر هوش و معنویت است. سیسک^۱ هوش معنوی را توانایی درونی اندیشیدن و درک وقایع معنوی و هدایت رفتار روزانه توسط ایدئولوژی معنوی می داند (Sisk, 2008). زوها و مارشال^۲ (2000) که به همراه ایمونس^۳ (2000) به عنوان اولین صاحب نظرانی نام برده می شوند که مفهوم هوش معنوی را ابداع و به مجامع علمی معرفی کردند، معتقدند هوش معنوی بیانگر آن نوع هوشی است که افراد از طریق آن مسائل مربوط به معنی و ارزش ها را حل کرده، فعالیت ها و زندگی خود را در بافت و بستری غنی تر، وسیع تر و معنادارتر قرار می دهند. اندیشمندان مذکور با نام بردن از هوش معنوی به عنوان هوش غایی^۴ تاکید می کنند که هوش معنوی به انسان کمک می کند تا بفهمد کدام اقدام یا مسیر و راه زندگی معنادار تر از گزینه های دیگر است. به عبارت دیگر، سازه هوش معنوی کاربرد ظرفیت ها و منابع معنوی در زمینه ها و موقعیت های عملی می باشد (امینی جاوید و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴). آمرام^۵ (2007) هوش معنوی را به عنوان توانایی تلفیق و کاربرد منابع و کیفیات معنوی توسط فرد در راستای افزایش عملکرد و سعادت در زندگی روزانه تعریف می کند (امینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶). همچنین، آمرام (2009) هوش معنوی را شامل داشتن حس معنا و داشتن ماموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ها و معتقد به بهتر شدن دنیا می داند، وی همچنین، هوش معنوی را توانایی کاربرد و بروز

¹ Sisk

² Zohar & Marshall

³ Emmons

⁴ ultimate Intelligence

⁵ Amram

⁶ Wigglesworth

⁷ king

⁸ Biotic Balance

این موضوع را هم قبول نداشتند که چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود گونه‌های انسانی از محدودیت‌های بوم‌شناختی مستثنی شوند. در حالی که، پارادایم بوم‌شناختی جدید (یا زیست محیطی) نوع بشر را فقط به عنوان جزئی از یک اکوسیستم بزرگ تر معرفی می‌کند و معتقد است که امور انسانی تحت تاثیر طبیعت و همین طور جامعه قرار می‌گیرد. به همین ترتیب، محیط بیوفیزیکی محدودیت‌های مادی برای کنش انسانی ایجاد می‌کند (اروین، ۱۳۹۳: ۴۱). کاتن و دانلپ با طرح پارادایم جدید بوم محور رهیافت جدیدی را مبنای تاثیر محیط زیست بر رفتار اجتماعی و تاثیر فرایندهای اجتماعی بر محیط زیست قرار دادند. آنها نتیجه‌گیری کردند که انسان‌ها همچون دیگر گونه‌ها با طبیعت کنش متقابل داشته و به زیست بوم‌های جهانی وابسته هستند (Cudworth, 7: 2003). بدین ترتیب در مطالعات اجتماعی یک دیدگاه جدید به وجود آمد که متغیرهای زیست محیطی را در تحقیقات اجتماعی وارد کرده و چشم انداز جدیدی را برای جامعه‌شناسی تدارک دید. مفهوم اصلی از منظر پارادایم جدید بوم محور کنش متقابل انسان با گونه‌های دیگر است. لذا، در این تعامل بین انسان و گونه‌های دیگر در زیست بوم، هوش معنوی با توجه به ماهیت آن می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در این کنش متقابل داشته باشد. هوش معنوی رفتار خردمندانه انسان را با توجه به اصول اعتقادی و معنویت شکل می‌دهد و این امر می‌تواند در کنش انسانی با گونه‌های دیگر تعیین کننده باشد.

دیدگاه بوم‌شناسی ژرف یکی دیگر از اجزای اکولوژی انسانی است که توسط محیط زیست‌گرایان به کار می‌رود و منظور از آن ایجاد تغییرات ساختاری و ریشه‌ای در جایگاه انسان به عنوان بخشی از محیط زیست در کل مجموعه طبیعت است. این نوع نگرش به دنبال بررسی اثرات فعالیت‌های انسان در محیط زیست بر انسان نیست بلکه این اثرات را در مجموعه کل محیط زیست بررسی می‌کند. این نوع اکولوژی به دنبال هماهنگ کردن شیوه زندگی بشری با طبیعت است (Rothenberg, 2012) به نقل از

کار برد، بوم‌شناسی زیستی^۱ بود. او در این زمینه می‌گوید بوم‌شناسی انسانی از چندین نظر تفاوت‌های اساسی با بوم‌شناسی گیاهی و جانوری دارد. نخست آنکه، انسان‌ها به طور مستقیم به محیط زیست وابسته نیستند، و به کمک فرایند تقسیم کار از این وابستگی رها شده‌اند؛ دوم آنکه، فناوری این موقعیت را برای انسان فراهم آورده است که زیستگاه خویش و جهان را بازسازی کند و از محدودیت‌ها بگریزد؛ سوم آنکه، ساختار جوامع انسانی را نه تنها عوامل زیست‌شناختی، بلکه عوامل فرهنگی به ویژه ساختار نهادی وابسته به رسوم و سنن تعیین می‌کنند. بنابراین، جامعه بشری در مقایسه با دیگر عناصر طبیعت در دو سطح سازمان‌دهی شده است: حیاتی و فرهنگی.

این نوع رابطه عمودی بین جامعه - طبیعت، با بسیاری از اصول پارادایم نوین کاتن و دانلپ تناقض آشکار دارد. این نظریه به جای تاکید بر اشتراکات انسان با دیگر موجودات، بر ویژگی‌های منحصر به فرد انسان (مانند نوآوری و قابلیت‌های ذهنی) تاکید می‌کند. در این دیدگاه، تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی (مانند ارتباطات و تقسیم کار) اولویت دارند، نه عوامل زیستی، فیزیکی و عوامل تعیین کننده محیط زیست. منتقدان بوم‌شناسی انسانی، شکست این نظریه را فقط غفلت از وابستگی درونی محیط طبیعی و محیط انسانی نمی‌دانند، بلکه عامل اصلی شکست آن را ناتوانی نظریه در توجه به ارزش‌های انسانی در انتخاب مسکن و جابه‌جایی‌ها خوانده‌اند (هانیگان، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۸).

پارادایم بوم‌شناختی جدید^۲ در مقابل پارادایم استثنائگرایی انسانی^۳ مطرح شده است. پارادایم استثنائگرایی انسانی چنین فرض می‌کند که انسان‌ها اساساً با دیگر مخلوقات متفاوت‌اند، یعنی می‌توانند سرنوشت خود را رقم بزنند و هیچ محدودیتی بر جامعه انسانی حاکم نیست. کاتن و دانلپ منکر این نبودند که نوع بشر واجد ویژگی‌های خاصی است ولی

¹ Biological Ecology

² New Ecological Paradigm (NEP)

³ Human Exceptionalist Paradigm

محمودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲).

بوم شناسی ژرف یا زیست گرایی بر مسئولیت پذیری فردی برای حفاظت از محیط زیست تاکید دارد. این گرایش فکری برای ایجاد تغییر اجتماعی بیستر بر سبک زندگی شخصی تاکید می کند. (ساتن، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

وارویک فاکس^۱ (۱۹۹۵) از متفکران بوم شناسی ژرف است که فرایند هویت یابی را دقیقاً «بوم شناسی فرا شخصی»^۲ توصیف می کند. این مفهوم بدین معنی است که طرز تفکر و عمل متفاوتی تشویق شود که فراتر از جدایی جامعه و طبیعت رود تا اینکه آسیب به طبیعت نیز همچون آسیب به خود تجربه شود. این امر مراقبت مجدد از طبیعت به همان شیوه های را موجب می شود که مردم از انسان و خودهای خودشان مراقبت می کنند. بر این اساس، احترام نسبت به دیگران، به احترام به اجتماع بوم شناختی گسترش می یابد. در حال حاضر، می توان گفت که، این نوع هویت یابی بوم شناختی بسط یافته به فعالان عرصه محیط زیست و نیز کسانی محدود شده است که درصدد احساس کنند بیشتر در تماس با خودهای طبیعی شان اند. بنابراین، وظیفه نظریه پردازان بوم مرکزی این است که، اگر می خواهند موفق شوند باید عده بیشتری را (نسبت به طبیعت) متعهد سازند. شاید بهترین راه برای انجام دادن این کار، ایجاد تغییرات کوچک در سبک های زندگی است که هرگاه به هم اضافه شوند، کنش اجتماعی را متحول خواهند ساخت (ساتن، ۱۳۹۲: ۹۰).

تیلور^۳ یکی از اندیشمندان زیست محور یکی از کامل ترین نظریات را پیرامون اخلاق محیط زیست در کتابی به نام "احترام به طبیعت" نوشته است. در واقع، زیست - محوری، نقطه مقابل انسان - محوری است که بر مبنای اعتقاد ارزش ذاتی برای طبیعت است و به این معنا که اعتبار و ارزش آنها در گرو سودبخشی به انسان نباشد (بنسون، ۱۳۸۲: ۲۵۹). از نظر بنسون، برای رفع بحران های محیط زیست از دیدگاه های

فلسفی، دینی و به ویژه اخلاقی کمتر سخنی به میان می آید. در حالی که بدون آموزش صحیح مباحث معنوی و اعتقادی، در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هر چه از تباه شدن محیط زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، راه به جایی نخواهیم برد (بنسون، ۱۳۸۲). بنابراین، می توان گفت که، از نظر بنسون آموزش مباحث معنوی و اعتقادی را مترادف با برخورداری شهروندان از هوش معنوی می دانند که می تواند در راستای ضرورت حفظ محیط زیست و احترام به طبیعت مورد توجه قرار گیرد. در دین اسلام نیز به ارتباط انسان با محیط زیست پرداخته شده است. به طوریکه، زمین میراث صالحان و انسان مامور عمران و آبادانی آن معرفی شده است. همچنین، در اسلام تاکید زیادی بر حفاظت از محیط زیست و بهسازی آن شده است. از طرف دیگر، منع از اسراف و بهره برداری درست از منابع طبیعی و ... از موارد تاکید در اسلام می باشد (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴).

از چشم انداز دیگر، برخی از پژوهشگران مطالعات محیط زیست (Dunlap et al, 2002/Jackson, 2006) معتقدند که مشکلات زیست محیطی نتیجه عمل انسان بوده و بدرفتاری های انسان در قبال محیط زیست در درازمدت به عنوان خطرترین تهدید نسبت به جهان شناخته شده اند. عملکرد نامناسب انسان، تغییرات مضر و برگشت ناپذیری را بر شرایط زیست محیطی و زندگی در زمین تحمیل می کند که اگر نتوان بر این مشکلات فائق شد، دیگر جهانی قابل دوام و پایدار برای نسل های آینده وجود نخواهد داشت تا در آن زندگی کنند.

رودولف باهرو^۴ همه موجودات را بارقه ای از رحمت خدا می داند. وی رستگاری بومی را مساله ای مذهبی تلقی نموده، از رحمت خدا می داند و معتقد است که بشر نیازمند معنویت و روحانیت و تولد عصر طلایی جدیدی است که اصالت را در انسان پرورش دهد. همچنین، مادر^۵، ضرورت گرایش دینی با پایداری و حفاظت منابع طبیعی را یادآور شده است. وی

¹ Warwick Fox

² Transpersonal Ecology

³ Paul W. Taylor

⁴ Rudolf Bahro

⁵ Mother

شهروندان نیز می‌گردد. شهروندی محیط زیستی دربردارنده این موضوع نیز خواهد بود که حقوق و مسئولیت‌ها را در محیط‌های غیرمتعارف؛ نظیر خانواده، خیابان، سوپرمارکت و محیط کار جدی بگیریم (صالحی و بازوکی نژاد، ۱۳۹۳).

آنچه شهروندی بوم‌شناختی را از شهروندی زیست‌محیطی متمایز می‌کند، نوع چشم‌انداز بررسی حوزه‌های شهروندی است. شهروندی زیست‌محیطی مربوط به دوره‌های قبل سنت نظری شهروندی است در حالی که، شهروندی بوم‌شناختی مربوط به دوره سوم یعنی بعدجهانشهرگرایی^۲ است. دابسون (Dobson, 2003) معتقد است در دوره سوم مطالعات شهروندی، ویژگی‌های خاصی وجود دارد که آن را از دوره‌های قبل کاملاً متمایز می‌کند. یکی از این مهمترین ویژگی‌ها، تاکید بر وظیفه و تعهد در شهروندی بوم‌شناختی به جای تاکید بر حقوق است. با توجه به اینکه شهروندی بوم‌شناختی مبتنی بر شهروندی جهانی است در اینجا دیگر حقوقی برای شهروندان مطرح نیست بلکه، شهروندان متعهد می‌شوند فعالیت‌های خاصی را در جهت نیل به جامعه پایدار انجام دهند.

جدول ۱- سه دوره اصلی مطالعات شهروندی

دوره اول: لیبرال	دوره دوم: جمهوری خواهان مدنی	دوره سوم: بعدجهانشهرگرایی
حقوق/استحقاق‌ها (قراردادی)	وظایف/مسئولیت‌ها (قراردادی)	وظایف/مسئولیت‌ها (غیرقراردادی)
حوزه عمومی	حوزه عمومی	حوزه عمومی و خصوصی
فارغ از ارزش	مبتنی بر ارزش‌های مردانگی	مبتنی بر ارزش‌های زنانگی
قلمرویی(تبعیض آمیز)	قلمرویی(تبعیض آمیز)	قلمرویی(غیرتبعیض آمیز)

(اقتباس از Dobson, 2003)

نالی^۳ (۲۰۱۰) نیز در تشریح ابعاد شهروندی بوم‌شناختی موارد مشابهی را مطرح می‌کند. به باور وی، شهروندی بوم‌شناختی دارای ویژگی‌هایی چون مسئولیت غیرمتقابل، توجه به

به این مساله استدلال می‌کند که حفاظت از منابع در فلسفه و مذهب ریشه دارد (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴).

پایداری، توسعه پایدار، جامعه پایدار و شهروندی بوم‌شناختی: توسعه پایدار^۱ به این معناست که توسعه، دست‌کم از دیدگاه آرمانگرایانه، باید به نحوی دنبال شود که موجب بازیافت منابع مادی شود و نه تهمی ساختن آنها، و سطوح آلودگی را به حداقل ممکن برساند. توسعه پایدار بنا به تعریف عبارت بود از کاربرد منابع تجدید شونده و احیای پذیر برای پیشبرد رشد اقتصادی، حفاظت از گونه‌های جانوری و تنوع زیستی، و پایبندی به حفظ پاک‌ی هوا، آب و خاک. کمیسیون براتلند توسعه پایدار را «تامین‌کننده نیازهای زمان حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تامین نیازهای شان» قلمداد می‌کرد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۸۴). پایداری مفهومی است که هادی طراحی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در همه جوامع شده است. پایداری به عنوان سیاست غالب زیست‌محیطی، به ارتباط بین جوامع مصرفی، عوامل زیست‌محیطی و سیاست‌های اجتماعی اشاره می‌کند. پایداری یک اصطلاح ناب همچون دموکراسی یا عدالت است و دلالت بر هدف نهایی دارد، در حالی که توسعه پایدار ابزاری برای رسیدن به این هدف محسوب می‌شود (Cahill, 2002: 2). پایداری مفهومی است که می‌تواند دارای ابعاد گسترده بسیاری (شامل ابعاد بوم‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، و معرفت‌شناختی و ...) باشد.

در جامعه پایدار بر نقش شهروندی بیش از مصرف‌کننده تاکید می‌شود و در علم جامعه‌شناسی محیط زیست، شهروندی محیط زیستی در کنار شهروندی مدنی مطرح است (Berkowitz & Brewer, 2004). شهروندی محیط زیستی مستلزم این است که موضوعات مربوط به حفظ محیط زیست را حداقل به اندازه پیشرفت در علم اقتصاد دارای اهمیت بدانیم. بنابراین، مسئولیت‌های ما به عنوان شهروندان نه تنها شامل افرادی که فعلاً با هم در یک جامعه یا سیاره زندگی می‌کنند، بلکه شامل تمام گونه‌های دیگر محیط زیست و نسل‌های آینده

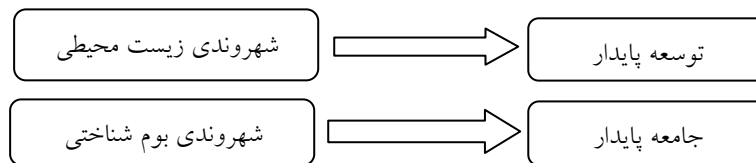
² Post-Cosmopolitan

³ Nally

¹ Sustainable Development

توسعه پایدار است، در حالی که، شهروندی بوم شناختی تلاش دارد با توجه کردن به گونه های مختلف موجودات زنده، روابط آنها را با محیط زیست و انسان به نحو مطلوب تری برقرار سازد.

حوزه عمومی و خصوصی، توجه به فضیلت (ارزش) شهروندی بوم شناختی و غیرقلمرویی بودن می باشد (Nally, 2010). همچنین از چشم انداز دیگری می توان اشاره کرد که هدف و غایت شهروندی زیست محیطی نیل و رسیدن به



شکل ۱- شهروندی زیست محیطی و شهروندی بوم شناختی (اقتباس از: Gil, 2008: 21)

زیست محیطی با استفاده از مقیاس کایزر و همکاران و رفتار زیست محیطی با پرسشنامه محقق ساخته سنجیده شده است. تعداد ۳۸۳ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده اند. نتایج تحقیق مبین وجود رابطه مثبت و معنی دار بین ارزش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی است. همچنین، دو عامل موقعیت جغرافیایی و فعالیت های اقتصادی و آموزه های دینی در بالا بودن ارزش زیست محیطی در منطقه مورد مطالعه موثر بودند (صالحی و کریم زاده، ۱۳۹۳).

صالحی و امام قلی (۱۳۹۱) در پژوهشی به مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست محیطی پرداخته اند. هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این سه سوال بود که، نخست؛ رفتارهای مسئولانه و غیرمسئولانه زیست محیطی در شهرستان سنندج چگونه است؟ دوم اینکه، میزان آگاهی زیست محیطی در بین ساکنان شهرستان سنندج در چه سطحی است؟ سوم اینکه، بین آگاهی زیست محیطی با رفتارهای زیست محیطی چه رابطه ای وجود دارد؟ در این مطالعه پیمایشی، نمونه آماری ۳۸۵ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج بوده است که به روش تصادفی طبقه ای متناسب انتخاب شده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که، ۶۹/۴ درصد از افراد مورد مطالعه رفتارهای مسئولانه زیست محیطی داشته اند در حالیکه آگاهی زیست محیطی در بین افراد مورد مطالعه پایین بوده است. در هر حال، بین آگاهی زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی ارتباط معنی داری وجود داشته است (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱).

پیشینه تحقیق

صالحی و پازوکی نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی به تحلیل اجتماعی نقش شهروندی محیط زیستی در مقابله با پیامدهای تغییر آب و هوا پرداخته اند. در این پژوهش پدیده شهروندی محیط زیستی به دلیل متعهد بار آوردن شهروندان در برابر مشکلات زیست محیطی از اهمیت خاصی برخوردار است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۰۷۴۱ نفر از ساکنان شهرستان قائمشهر هستند که با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده ۳۵۰ نفر از آنان به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که، تعهد شهروندان به محیط زیست و مقابله با یکی از بحران های محیط زیستی یعنی تغییر آب و هوا متوسط رو به بالاست. میزان تعهد شهروندان نسبت به مقابله با پیامدهای منفی و زیانبار تغییر آب و هوا بر حسب سن و تحصیلات متفاوت بود، به عبارت دیگر، با افزایش سن، وضعیت شهروندی محیط زیستی بهبود یافته اما با افزایش تحصیلات، تعهد به شهروندی محیط زیستی کاهش داشت. پیوند مکانی شهروندان در حد بالایی بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داده که پیوند مکانی نسبت به چارچوب محلی پیام های تغییر آب و هوا، بیشترین تاثیر را بر توسعه شهروندی محیط زیستی داشته است (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳).

صالحی و کریم زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تاثیر ارزش های زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی در مناطق شهری ارومیه پرداختند. روش تحقیق پیمایشی بوده و از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. ارزش

مصاحبه از ۱۸ باغبان عضو انجمن در سال ۲۰۰۹ صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، مولفه‌های تعریف شده شهروندی بوم‌شناختی در میان مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه در انجمن باغبانان در آتن دیده می‌شود. باغداران به ارزش‌های بوم‌شناختی و تغییرات دلخواهانه رفتاری بر اساس احساس ارزش نسبت به انجمن‌شان تمایل زیادی نشان می‌دادند.

احمد و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به چگونگی فهم شهروندی زیست‌محیطی در میان جوانان مالزیایی پرداختند. در این پژوهش به مسائل نگران‌کننده زیست‌محیطی جهانی نظیر؛ تغییرات جوی، افزایش دمای کره زمین، جنگل‌زدایی، انتشار گاز دی‌اکسید کربن، اتلاف بی‌رویه، آلودگی رودخانه و غیره اشاره شده که کم و بیش با دخالت فعالیت‌های انسانی ایجاد شده است. لذا، این مسائل، نیاز جهانی به شهروندی زیست‌محیطی را مطرح ساخته است. شهروندی زیست‌محیطی، یکی از اشکال شهروندی است که بر اهمیت و اولویت محیط زیست تاکید دارد. و بیان می‌کند که شهروندان باید آگاهی بالاتری نسبت به محیط زیست داشته و با مشارکت در فعالیت‌های سبز از زمین محافظت کرده و آن را نجات دهند. این پژوهش با هدف بررسی آگاهی، فهم، درک و مشارکت جوانان مالزیایی با توجه به شهروندی زیست‌محیطی انجام گرفته است. شش گروه متمرکز و هر کدام شامل ۵ الی ۶ نفر بوده است. سوالات بر فهم کلی و تکنیکی مسائل زیست‌محیطی متمرکز بوده و منبع اطلاعات پیرامون محیط زیست بوده است.

مید^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی به ارتقا شهروندی بوم‌شناختی پایدار در میان دانشجویان پرداخته است. این پژوهش، شهروندی بوم‌شناختی را در سیاست‌ها و طرح‌های پایدار نهادها مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، کنش‌های نهادهای مسئول تحصیلات دانشگاهی را در ارتباط با ترویج شهروندی بوم‌شناختی پایدار در میان دانشجویان مورد مطالعه قرار داده است. نمونه تحقیق شامل ۲۴ دانشکده و دانشگاه در ایالات متحده امریکاست. چندین شاخص برای مطالعه و سنجش شهروندی بوم‌شناختی انتخاب شده است. نتایج

نواح و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان پرداختند. روش بررسی در این تحقیق، پیمایشی و ابزار سنجش پرسشنامه بوده است. نمونه تحقیق شامل ۴۰۰ نفر از ساکنان شهر اهواز بوده که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، بین متغیرهای سن و جنسیت و تحصیلات با رفتار زیست‌محیطی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه متغیرهای میزان دینداری و رفتار زیست‌محیطی ۰/۰۸۰ و سطح معنی‌داری ۰/۱۱۲ بود که نشان از این بود که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد اما ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه میزان دینداری و ارزش زیست‌محیطی ۰/۱۵۸ و ارزش زیست‌محیطی با رفتار زیست‌محیطی ۰/۱۶۸ به دست آمده که هر دو رابطه در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بودند.

جاگرز و ماتی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی، شناسایی ارزش‌ها و باورهای مرتبط با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی افراد سوئدی را مورد مطالعه قرار دادند. شهروندی بوم‌شناختی در حوزه نظریه سیاسی به عنوان رویکردی برای فهم مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به محیط زیست تلقی می‌گردد. بر اساس پیمایش ۴۰۰۰ خانوار سوئدی، مقاله حاضر به دنبال عملیاتی کردن نظریه شهروندی بوم‌شناختی است. نتایج به دست آمده از این مقاله حاکی از آن است که، نسبت قابل توجهی از پاسخگویان یک ارزش متناسب با شهروندی بوم‌شناختی مانند نوع دوستی غیرقلمرویی و تقدم عدالت اجتماعی از خود توجه نشان می‌دهند. اگرچه این امر، به آزمون‌ها و مطالعات بیشتری نیاز دارد.

نالی^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مشارکت در انجمن باغبانی و شهروندی بوم‌شناختی پرداخته است. در این پژوهش، شهروندی بوم‌شناختی با عناصری نظیر؛ مسئولیت‌پذیری غیرمتقابل، فعالیت مدنی در حوزه خصوصی و عمومی، فضیلت بوم‌شناختی، غیرقلمرویی بودن که به وسیله ردپای بوم‌شناختی اندازه‌گیری شده، تعریف شده است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و با تکنیک

^۱ Jagers & Matti

^۲ Nally

^۳ Mead

شهروندی و بوم شناسی تاکنون، این دو مفهوم در کنار یکدیگر قرار نگرفته اند. پژوهش های معدودی در خارج از کشور وجود دارد که نگاه متفاوتی نسبت به این موضوع دارد. لیکن، در این پژوهش، شهروندی بوم شناختی از چشم انداز جامعه شناختی مورد بررسی قرار گرفته است و به تبع آن، عوامل اجتماعی مرتبط با شهروندی بوم شناختی مورد توجه بوده است که یکی از عوامل مهم در ارتباط با شهروندی بوم شناختی، متغیر هوش معنوی می باشد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مباحث مطرح شده فرضیه های این پژوهش به شرح ذیل می باشند:

- بین هوش معنوی و شهروندی بوم شناختی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین جامع نگری و بعد اعتقادی و شهروندی بوم شناختی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین توانایی مواجهه با مشکلات و شهروندی بوم شناختی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین سجایای اخلاقی و شهروندی بوم شناختی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین خودآگاهی با شهروندی بوم شناختی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق، این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی است، یعنی هم، وضعیت متغیرهای تحقیق در میان شرکت کنندگان توصیف می شود و هم رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد آزمون قرار می گیرد. این تحقیق از نظر اجرایی، از نوع تحقیق کاربردی و از لحاظ بررسی زمانی، در زمره تحقیقات مقطعی می باشد. علاوه بر این، تحقیق حاضر از نوع پیمایشی^۱ است، زیرا اطلاعات به صورت بررسی مطالعه نظرات پاسخگویان گردآوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق ده گانه شهر تبریز هستند. بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، جمعیت کل شهر تبریز برابر با ۱۴۹۴۹۹۸ نفر بوده که از این تعداد، جمعیت

حاصل نشان می دهد که، مباحثات شهروندی بوم شناختی درباره تعهد پایداری بیشتر از کنش های مربوط به شهروندی و پایداری مطرح بوده است. همچنین، دانشکده هایی که به طور رسمی شهروندی بوم شناختی را ترویج می کردند میزان تعهد قوی تری به ارزش های شهروندی و پایداری نشان دادند.

جمع بندی پیشینه تحقیق و ارائه فرضیه ها

با بررسی پیشینه نظری و تجربی تحقیق می توان به این نکته دست یافت که، در روند مطالعات شهروندی - که در سه دوره مطرح شده است - در دوره سوم یعنی دوره مابعد جهان شهری، نوع جدیدی از شهروندی تحت عنوان شهروندی بوم شناختی مطرح شده است که بر مسئولیت پذیری داوطلبانه شهروندان مبتنی است. شهروندی بوم شناختی در مطالعات پایداری به منزله ابزاری در جهت رسیدن به جامعه پایدار شناخته می شود به این دلیل که شهروندی بوم شناختی نگاه جامع نگرانه ای نسبت به انسان و گونه های متعدد گیاهی و جانوری در زیست بوم دارد. نظریه های متعدد نظیر؛ اکولوژی انسانی، پارادایم جدید بوم محور و بوم شناسی ژرف در این راستا مورد بررسی قرار گرفته اند. در پارادایم جدید بوم محور کنش متقابل انسان با گونه های دیگر مطرح می شود و در این کنش متقابل، عامل انسانی اهمیت ویژه ای دارد. به نظر می رسد با توجه به ماهیت ارزش محور بودن شهروندی بوم شناختی، انسان های برخوردار از هوش معنوی بهتر می تواند در جهت تحقق شهروندی بوم شناختی عمل کند لذا، در این پژوهش هوش معنوی و ابعاد آن مورد توجه قرار گرفته است چرا که، انسان های برخوردار از هوش معنوی بالا، کنش های معقولانه تری نسبت به گونه های مختلف و محیط اطراف خود دارند. در دیدگاه بوم شناسی ژرف، احترام به طبیعت و گونه های موجود در آن مورد توجه است و طبیعت دارای ارزش ذاتی (نه ابزاری) تلقی می شود و تلاش بر این است که انسان های متعهد نسبت به طبیعت در جامعه گسترش پیدا کند که می توان گفت هوش معنوی می تواند به عنوان عامل مهمی در راستای ایجاد تعهد شهروندان نسبت به محیط زیست عمل کند. با بررسی مطالعاتی که تاکنون در داخل و خارج انجام گرفته اند نشان می دهد که، در ادبیات

^۱ Survey method

(Mead, 2013). که هر کدام از این مولفه‌ها، خود دارای زیرمولفه‌های مربوط به خود می‌باشند. هوش معنوی^۱: هوش معنوی داشتن رفتاری خردمندانه توأم با حس همدردی است، به گونه‌ای که فرد بتواند آرامش درون و بیرونش را با وجود شرایط و پیرامونش به خوبی حفظ کند (Wigglesworth, 2011). هوش معنوی روی حفظ عمیق ارزش‌های افراد متمرکز بوده و تدام بخش نوآوری و تعهد است. برای اندازه‌گیری میزان هوش معنوی در میان شهروندان شهر تبریز از پرسشنامه هوش معنوی ۴۲ سوالی استفاده شده است که توسط بدیعی و همکاران (۱۳۸۹) ساخت و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۴ مولفه (۱) تفکر کلی و بعد اعتقادی^۲ (۲) توانایی مواجهه و تعامل با مشکلات^۳ (۳) پرداختن به سجایای اخلاقی^۴ (۴) خودآگاهی و عشق و علاقه^۵ است (زارع احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۳).

اعتبار و پایایی تحقیق

در این پژوهش از اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای برای تعیین اعتبار پرسشنامه استفاده گردیده است. بدین صورت که، پرسشنامه بعد از طراحی در اختیار اساتید متخصص در حوزه محیط زیست قرار گرفته و بعد از گردآوری و اصلاح و تعدیل نظرات آنها پرسشنامه نهایی طراحی شده است. همچنین، از روش‌شناسی تحلیل عاملی برای مطالعه نظم و ساختار موجود در داده‌های چندمتغیره استفاده شده است. در تحلیل عاملی هدف معین کردن ساختار عاملی زیربنایی از طریق بررسی کواریانس مورد نظر است. در این تحقیق برای تشخیص ابعاد زیربنایی متغیر وابسته از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. در حقیقت تحلیل عاملی به ما می‌گوید کدام گویه‌ها به همدیگر تعلق دارند و تحت تاثیر عامل‌های پنهانی مشترکی شکل می‌گیرند.

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که، تفکیک و دسته‌بندی سوالات و گویه‌های مربوط به شهروندی بوم‌شناختی، به خوبی انجام گرفته است به

بالای ۱۵ ساله شهر تبریز ۱۱۹۴۴۵۳ بوده که از این تعداد ۶۰۱۳۴۱ نفر مرد و ۵۹۲۷۰۸ نفر زن هستند (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). حجم نمونه آماری پژوهش مورد مطالعه از بین کلیه شهروندان شهر تبریز با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، به شرح زیر به دست آمده است:

$$n = \frac{t^2 P \cdot q}{d^2} \quad \frac{(2/58)^2 \times .5 \times .5}{(.05)^2} =$$

$$n = \frac{6.66 \times 25}{.0025} = 666 \cong 670$$

لازم به توضیح است که بعد از به دست آمدن حجم نمونه، عدد حاصله با توجه به نسبت جامعه آماری در بین مناطق ده گانه شهر تبریز توزیع، و پرسشنامه‌ها تکمیل شده است. با توجه به اینکه، هیچ فهرستی از جامعه آماری در دست نیست، لذا انتخاب نمونه احتمالی با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یا سیستماتیک از افراد میسر نیست. بنابراین مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری برای این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای استفاده از این شیوه، با در نظر گرفتن این نکته که شهر تبریز، از لحاظ کاربری شامل ۱۰ منطقه می‌باشد، پس از تعیین حجم نمونه و تقسیم شهر تبریز به مناطق ده گانه به نسبت جمعیت هر منطقه، نمونه‌ها تخصیص یافته، سپس از هر منطقه بلوک‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شده و در مرحله آخر از هر بلوک، خانه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

شهروندی بوم‌شناختی: شهروندی بوم‌شناختی بر مبنای شهروندی اجتماعی ساخته شده که در آن شهروندان به دنبال گسترش اصول جهانی مرتبط با مسائل زیست‌محیطی و گنجاندن آن در قانون، فرهنگ و ارزش‌ها می‌باشد، همچنین، ویژگی اصلی شهروندی بوم‌شناختی، ناپدید شدن مرز بین حوزه عمومی و خصوصی است (Smith, 1998). بنابراین، شهروند بوم‌شناختی کسی است که خود را نسبت به حفظ محیط زیست و حل مسائل محیط زیستی متعهد می‌داند. مولفه‌های مختلف شهروندی بوم‌شناختی در تحقیق حاضر عبارتند از: سواد بوم‌شناختی، کنش بوم‌شناختی، مشارکت مدنی، اجتماعی، فرهنگی بوم‌شناختی و هویت بوم‌شناختی

¹ Spiritual quotient

² Holistic and belief

³ Deal with problems

⁴ Ethical behavior

⁵ Consciousness and love

مربوط به شهروندی بوم شناختی در ۱۱ مولفه دسته بندی شده اند که این ۱۱ مولفه توانسته اند حدود ۶۰ درصد واریانس مربوط به این متغیر را تبیین کنند. در جدول شماره (۲)، بارهای عاملی، مقادیر ویژه و واریانس تبیینی هر کدام از عامل ها ارائه شده است.

طوریکه، مقدار KMO به دست آمده برابر با ۰/۸۸۹ بوده که نشان از کفایت تعداد نمونه ها برای انجام تحلیل عاملی دارد و همچنین معنی دار بودن آزمون کرویت بارتلت بیانگر آن است که تفکیک عامل ها به درستی انجام گرفته است. طبق نتایج به دست آمده در جدول شماره (۲)، ۴۹ گویه

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه های شهروندی بوم شناختی

ابعاد متغیر وابسته	گویه ها و سئوالات	بار عاملی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	کل واریانس تبیین شده
(۱) احساس تعلق بوم شناختی	من دلبستگی زیادی به طبیعت دارم.	۰/۸۲۴	۱۰/۶۸	۱۲/۷۵	۶۰/۳۱
	من می توانم ارتباط خوبی با طبیعت برقرار می کنم.	۰/۷۹۵			
	من حس تعلق شدیدی نسبت به طبیعت دارم.	۰/۷۷۵			
	طبیعت معنای زیادی برای من دارد.	۰/۷۶۷			
	تصور اینکه روزی بدون طبیعت را داشته باشیم برای من محال است.	۰/۶۵۴			
	بخش مهمی از زندگی ام، در رابطه من با طبیعت معنا پیدا می کند.	۰/۶۴۴			
	احساس می کنم من بخشی از طبیعت هستم.	۰/۶۳۵			
	طبیعت به اندازه انسان ها دارای اهمیت است.	۰/۶۰۵			
	با حضور در طبیعت احساس رضایت خوبی به من دست می دهد.	۰/۶۰۲			
	حضور در طبیعت بخشی از کارهای روزمره من است.	۰/۵۸۰			
(۲) نگرش بوم شناختی	مردم حق دارند برای رفاه بیشتر به صورت نامحدود از طبیعت استفاده کنند.	۰/۷۰۱	۴/۲۷	۶/۱۸	۶۰/۳۱
	حل مسائل اقتصادی مردم مهمتر از حفظ محیط زیست است.	۰/۶۸۹			
	محیط زیست اولویت کمتری برایم در مقایسه با چیزهای دیگر دارد.	۰/۶۶۰			
	ما انسان ها حق داریم، از منابع طبیعی هر طور که بخواهیم، استفاده کنیم.	۰/۵۹۷			
(۳) آگاهی بوم شناختی	طبیعت می تواند خود را بازسازی کند و نیازی نیست ما به فکر آن برای نسل های آینده باشیم.	۰/۵۹۰	۲/۹۰	۵/۷۶	۶۰/۳۱
	مسائل زیست محیطی زیاد نگران کننده نیستند.	۰/۵۰۳			
	در حال حاضر مهمترین مشکل محیط زیست شهر ما آلودگی آب و کیفیت بد آن است.	۰/۸۱۴			
	در حال حاضر مهمترین مشکل محیط زیست شهر ما نداشتن سیستم دفع فاضلاب بهداشتی است.	۰/۷۹۵			
	آلودگی هوا مهمترین مشکل محیط زیست شهر ما است.	۰/۷۰۰			
	مهمترین مشکل محیط زیست شهر ما، نداشتن سیستم مناسب جمع آوری زباله و بازیافت آن است	۰/۶۵۹			
(۴) عضویت در انجمن های زیست محیطی	در حال حاضر کمبود درخت و فضای سبز مهمترین مشکل محیط زیست شهر ما است.	۰/۶۲۹	۲/۰۲	۵/۵۸	۶۰/۳۱
	من در حد توان به سازمان های حامی محیط زیست در جمع آوری کمک های مالی، کمک می کنم.	۰/۸۶۶			
	من در مراسم های مربوط به محیط زیست شرکت می کنم.	۰/۸۳۹			
	من معمولاً در سازمان های حامی محیط زیست فعالیت دارم.	۰/۸۳۹			

		0/602	نهادها و سازمان های مختلف باید برای حفاظت از محیط زیست، مشارکت مردم را جلب کنند.	(5) باورهای زیست محیطی
4/84	1/84	0/584	اگر هر فرد الگوی مصرف مناسب را رعایت کند، نقش مهمی در حفظ محیط زیست دارد.	
		0/579	فکر می کنم که هر یک از ما می توانیم نقش مهمی در حمایت از محیط زیست داشته باشیم.	
		0/570	انسان ها باید مراقبت بیشتری از محیط زیست بکنند.	
		0/692	زمانی که نیازی نداشته باشم، چراغ های اضافی را خاموش می کنم.	(6) رفتارهای زیست محیطی
4/44	1/61	0/677	هر زمان که ممکن باشد، برای صرفه جویی در آب، زمان حمام خود را کوتاه می کنم.	شخصی
		0/559	همیشه درجه حرارت سیستم گرمایشی اتاقم را در طول زمستان کنترل می کنم	
		0/817	بطری ها و قوطی ها را در صورت امکان دوباره استفاده می کنم.	(7) بازیافت و حفاظت منابع
4/42	1/41	0/805	دوستان و خانواده ام را به استفاده دوباره از وسایل دوراندختنی تشویق می کنم	
		0/714	مواد و محصولات مورد نیازم را در ظرف هایی که دوباره قابل استفاده باشند، می خرم.	
		0/676	در حال حاضر آلودگی رودخانه ها و دریاها یکی از بزرگترین مشکلات محیط زیست جهان است.	(8) دانش بوم شناختی
4/37	1/32	0/672	از بین رفتن گونه های مختلف جانوری و گیاهی یکی از مهمترین مسائل محیط زیست است.	
		0/671	گرم شدن کره زمین از مهمترین مشکلات محیط زیست در جهان است.	
		0/462	به نظر من کشورهایی که به حفاظت از منابع طبیعی خود توجه می کنند، پیشرفته هستند.	
		0/732	من معتقدم که حفظ محیط زیست با توجه به موضوعات دیگر، مسئله مهمی است.	(9) معرفت بوم شناختی
4/21	1/18	0/660	منابع طبیعی زمین محدود است و ما باید با استفاده معقول آن را برای آینده حفظ کنیم.	
		0/454	بیشتر مشکلات محیط زیست ناشی از شهرنشینی و صنعتی شدن است.	
		0/754	ما باید از طبیعت به خاطر زندگی گیاهان و حیوانات محافظت کنیم نه فقط به خاطر زندگی انسانها	(10) ارزش های زیست محیطی
4/00	1/16	0/574	آنچه مرا نگران می کند، این است که بامصرف بی رویه، آب کافی برای نسلهای آینده باقی نمی ماند.	
		0/473	حیوانات و گیاهان هم از نظر اخلاقی و هم قانونی حق حیات دارند.	
		0/469	پرورش حیوانات در قفس از لحاظ اخلاقی درست نیست.	
		0/356	تمام موجودات زنده با ارزش هستند و باید محافظت شوند.	
		0/674	از حضور در هوای آزاد لذت می برم، حتی اگر آب و هوای ناخوشایندی داشته باشد.	(11) پیوستگی با محیط زیست
3/75	1/12	0/548	اغلب نمی توانم از طبیعت دور باشم.	
		0/486	احساس می کنم به طور گسترده ای با همه موجودات جهان در ارتباط هستم	

محاسبه پایایی مقیاس از آلفای کرونباخ که انسجام درونی ابزار اندازه گیری را محاسبه می کند، استفاده شده است. نتایج به دست آمده در جدول ذیل نشان می دهد که هم متغیر شهروندی بوم شناختی و هم متغیر هوش معنوی و ابعاد آن ها از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

با توجه به اینکه، برای اندازه گیری متغیر هوش معنوی از ابزار استاندارد استفاده شده است لذا، برای بررسی اعتبار آن، از اعتبار صوری استفاده شده است و پرسشنامه بعد از استخراج اولیه، مورد بررسی اساتید مربوطه قرار گرفته و متناسب با جامعه آماری مورد مطالعه تعدیل شده است. برای

جدول ۳- نتیجه تحلیل پایایی مربوط به شهروندی بوم شناختی و هوش معنوی

متغیر	ابعاد شهروندی بوم شناختی	تعداد گویه	روایی	روایی کل
شهروندی بوم شناختی	(۱) احساس تعلق بوم شناختی	۱۰	۰/۹۰	۰/۸۹۹
	(۲) نگرش بوم شناختی	۶	۰/۷۶	
	(۳) آگاهی بوم شناختی	۵	۰/۷۸	
	(۴) عضویت در انجمن های زیست محیطی	۳	۰/۸۸	
	(۵) باورهای زیست محیطی	۴	۰/۶۸	
	(۶) رفتارهای زیست محیطی شخصی	۳	۰/۶۸	
	(۷) بازیافت و حفاظت منابع	۳	۰/۷۷	
	(۸) دانش بوم شناختی	۴	۰/۶۳	
	(۹) معرفت بوم شناختی	۳	۰/۵۹	
	(۱۰) ارزش های زیست محیطی	۵	۰/۶۶	
هوش معنوی	(۱) پیوستگی با محیط زیست	۳	۰/۵۶	۰/۸۶۹
	(۱) جامع نگری و بعد اعتقادی	۱۲	۰/۸۲	
	(۲) توانایی مواجهه با مشکلات	۱۵	۰/۸۸	
	(۳) سجایای اخلاقی	۸	۰/۷۸	
	(۴) خودآگاهی و عشق	۷	۰/۷۷	

در میان شهروندان برخوردار است. به طوریکه، اگر میانگین به دست آمده شهروندی بوم شناختی را در طیف ۶ گزینه ای قرار داهیم، میانگین به دست آمده در بین گزینه های تا حدودی زیاد و زیاد قرار می گیرد.

خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی زیاد	خیلی کم	کم
۲۹۴	۲۴۵	۱۹۶	۹۸	۴۹

زیست محیطی شخصی، دانش بوم شناختی، معرفت بوم شناختی و ارزش های زیست محیطی دارای بالاترین میانگین در میان شهروندان شهر تبریز بوده اند.

یافته های تحقیق

مطابق یافته های توصیفی تحقیق، میانگین شهروندی بوم شناختی در دامنه ۱۶۰ تا ۲۸۳ برابر با ۲۳۱ می باشد که نشان می دهد شهروندی بوم شناختی از وضعیت متوسط به بالایی

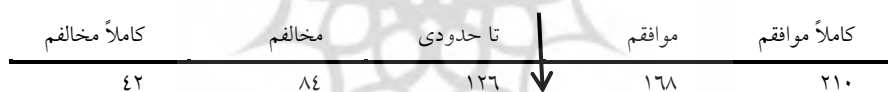
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی زیاد
۲۹۴	۲۴۵	۱۹۶

همچنین نتایج به دست آمده برای ابعاد دیگر شهروندی بوم شناختی نشان می دهد که، مولفه عضویت در انجمن های زیست محیطی دارای پایین ترین میانگین در میان شهروندان بوده و مولفه های احساس تعلق بوم شناختی، رفتارهای

جدول ۴- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر شهروندی بوم‌شناختی و ابعاد آن

وضعیت پاسخگویان	میانگین	دامنه تغییرات	تعداد سوال	ابعاد شهروندی بوم شناختی
تا حدودی زیاد- زیاد	۲۳۱/۵۸	۱۶۰-۲۸۳	۴۹	شهروندی بوم شناختی
زیاد	۴۹/۱۳	۱۴-۶۰	۱۰	(۱) احساس تعلق بوم شناختی
تا حدودی زیاد	۲۵/۴۶	۶-۳۶	۶	(۲) نگرش بوم شناختی
تا حدودی زیاد- زیاد	۲۲/۴۷	۸-۳۰	۵	(۳) آگاهی بوم شناختی
تا حدودی کم	۱۰/۲۰	۳-۱۸	۳	(۴) عضویت در انجمن های زیست محیطی
زیاد- خیلی زیاد	۲۱/۲۲	۷-۲۴	۴	(۵) باورهای زیست محیطی
زیاد	۱۵/۴۲	۴-۱۸	۳	(۶) رفتارهای زیست محیطی شخصی
تا حدودی زیاد- زیاد	۱۳/۱۴	۳-۱۸	۳	(۷) بازیافت و حفاظت منابع
زیاد	۲۰/۳۴	۸-۲۴	۴	(۸) دانش بوم شناختی
زیاد	۱۵/۷۲	۵-۱۸	۳	(۹) معرفت بوم شناختی
زیاد	۲۵/۷۰	۹-۳۰	۵	(۱۰) ارزش های زیست محیطی
تا حدودی زیاد	۱۲/۶۷	۴-۱۸	۳	(۱۱) پیوستگی با محیط زیست

همچنین میانگین متغیر هوش معنوی در میان شهروندان تبریزی در دامنه ۶۵ تا ۱۹۹ برابر با ۱۴۶ می باشد که بیانگر آن است که میانگین هوش معنوی در میان شهروندان شهر تبریز از حد متوسط، بالاتر می باشد.



در میان ابعاد چهارگانه هوش معنوی، توانایی تعامل با مشکلات دارای پایین ترین میانگین بوده و مابقی ابعاد هوش معنوی در طیف ۵ گزینه ای لیکرت، بین گزینه های تا حدودی و موافقم قرار می گیرند.

جدول ۵- آماره های توصیفی مربوط به متغیر هوش معنوی و ابعاد آن

وضعیت پاسخگویان	میانگین	دامنه تغییرات	تعداد سوال	ابعاد هوش معنوی
بالاتر از حد متوسط	۱۴۵/۹۰	۶۵-۱۹۹	۴۲	هوش معنوی
تا حدودی - موافقم	۴۵/۸۳	۱۶-۵۸	۱۲	جامع نگری و بعد اعتقادی
تا حدودی	۴۴/۹۲	۱۵-۷۱	۱۵	توانایی مواجهه با مشکلات
تا حدودی - موافقم	۳۰/۳۱	۱۱-۴۰	۸	سجایای اخلاقی
تا حدودی - موافقم	۲۵/۰۹	۹-۳۵	۷	خودآگاهی و عشق

بنابراین، می توان گفت که هر چه قدر شهروندان از میزان های بالای هوش معنوی برخوردار باشند، به میزان های بیشتری در رفتارهای شهروندی بوم شناختی فعالیت خواهند داشت و بالعکس. همه ابعاد چهارگانه هوش معنوی نیز ارتباط مثبت و معنی داری با شهروندی بوم شناختی دارند با ذکر این

برای آزمون ارتباط بین شهروندی بوم شناختی با هوش معنوی، با توجه به فاصله ای بودن سطح سنجش متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج به دست آمده در جدول شماره (۶) نشان می دهد که، شهروندی بوم شناختی با هوش معنوی ارتباط مثبت و معنی داری دارد،

نکته که، همبستگی مولفه های جامع نگری و بعد اعتقادی و سجایای اخلاقی بیشتر از ارتباط ابعاد دیگر هوش معنوی یا شهروندی بوم شناختی می باشد.

جدول ۶- نتایج آزمون همبستگی پیرسون هوش معنوی و ابعاد آن با شهروندی بوم شناختی

متغیر	هوش معنوی	جامع نگری و بعد اعتقادی	توانایی مواجهه با مشکلات	سجایای اخلاقی	خودآگاهی و عشق
شهروندی همبستگی پیرسون	۰/۳۶۳	۰/۴۱۴	۰/۱۰۴	۰/۴۳۳	۰/۲۴۰
بوم شناختی سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات	۴۰۲	۴۵۳	۴۳۷	۴۶۰	۴۶۵

تحلیل رگرسیونی شهروندی بوم شناختی

با استفاده از تحلیل رگرسیونی، می توان سهم و تأثیر متغیرهای تحقیق در تبیین و پیش بینی تغییرات متغیر وابسته را مشخص کرد. برای انجام تحلیل رگرسیون پیش فرض های آن مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، آماره آزمون دوربین واتسون به دست آمده برای این مدل ۱/۶۰ است که بیانگر استقلال خطاها یا باقیمانده ها برای این مدل رگرسیونی می باشد. با بر آورده شدن پیش فرض های رگرسیون برای سنجش میزان اثر هر یک از ابعاد متغیر هوش معنوی بر شهروندی بوم شناختی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره از روش گام به گام استفاده شده است. در روش گام به گام وارد شدن متغیرها به تحلیل رگرسیونی در اختیار محقق نیست و روش کار بدین صورت است که اولین متغیر پیش بین بر اساس بالاترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته وارد تحلیل رگرسیونی می شود و سپس سایر متغیرهای پیش بینی کننده بر حسب همبستگی جزئی یا نیمه جزئی در تحلیل وارد می شوند.

نتایج به دست آمده از انجام تحلیل رگرسیونی نشانگر این است که از میان ابعاد متغیر هوش معنوی که وارد معادله شده اند دو متغیر جامع نگری و بعد اعتقادی و سجایای

اخلاقی در مدل نهایی باقی مانده اند که این دو متغیر حدود ۲۷ درصد واریانس متغیر وابسته (شهروندی بوم شناختی) را تبیین می کنند. چنانچه در جدول ذیل مشاهده می شود ضریب همبستگی چند گانه برای این مدل رگرسیون ۰/۵۲۸ است و ضریب تبیین ۰/۲۷۹ می باشد و نیز ضریب تبیین تعدیل شده ۰/۲۷۵ است. یعنی میزان درصد تبیین تعدیل شده تغییرات شهروندی بوم شناختی توسط دو متغیر فوق ۲۷/۵ درصد می باشد. بنابراین، معادله رگرسیونی شهروندی بوم شناختی به شرح زیر است:

(سجایای اخلاقی) ۰/۲۵۶ + (جامع نگری و بعد اعتقادی)

$$۰/۳۵۱ + ۱۳۶/۲۸۴ = \text{شهروندی بوم شناختی}$$

بر اساس معادله فوق، ملاحظه می شود که متغیر شهروندی بوم شناختی بیش از هر چیز از جامع نگری و بعد اعتقادی تأثیر می پذیرد که با بتای ۰/۳۵۱ بیشترین سهم را در تبیین تغییرات شهروندی بوم شناختی دارد و بعد از آن مولفه سجایای اخلاقی با بتای ۰/۲۵۶ بیشترین تأثیر را در شهروندی بوم شناختی شهروندان دارد. همچنین، دو مولفه تعامل با مشکلات و خودآگاهی و عشق و علاقه در نهایت معنی دار نبوده و از مدل رگرسیونی خارج شده اند.

جدول ۷- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره شهروندی بوم شناختی

ضریب همبستگی چند گانه	۰/۵۲۸	متغیر	b	β	t	سطح معنی داری
ضریب تبیین	۰/۲۷۹	مقدار ثابت	۱۳۶/۲۸۴	---	۱۷/۵۹۷	۰/۰۰۰
ضریب تبیین تصحیح شده	۰/۲۷۵	جامع نگری و بعد اعتقادی	۱/۲۰۷	۰/۳۵۱	۶/۸۲۶	۰/۰۰۰
کمیت دوربین واتسون	۱/۶۰۰	سجایای اخلاقی	۱/۲۹۴	۰/۲۴۶	۴/۷۷۹	۰/۰۰۰
کمیت F	۷۶/۱۸۶	تعامل با مشکلات	---	۰/۰۷۲	۱/۶۹۲	۰/۰۹۱
واریانس سطح معنی داری	۰/۰۰۰	خودآگاهی و عشق و علاقه	---	-۰/۰۹۷	-۱/۸۵۷	۰/۰۶۴

بحث و نتیجه

بر اساس یافته‌های پژوهش، حدود ۸۰ درصد شهروندان تبریز، بر رفتارهای مبتنی بر شهروندی بوم شناختی تمایل داشته‌اند. این نکته نشان می‌دهد که شهروندان تبریزی به میزان زیادی فعالیت‌ها و رفتارهایی که نشانگر شهروندی بوم شناختی است را انجام می‌دهند. بنابراین، مطابق دیدگاه دابسون (۲۰۰۶) می‌توان گفت که این موضوع بیانگر نوعی هویت بوم شناختی در شهروندان باشد. با توجه به اینکه، شهروندی بوم شناختی از لحاظ گذار تاریخی در دوره سوم تحولات شهروندی - دوره مابعد جهان شهری - قرار دارد و مهمترین اصل مورد تاکید در دوره سوم، تاکید بر وظایف و مسئولیت‌های متعهدانه شهروندان به جای حقوق شهروندی آنهاست.

چنانچه فرضیه اصلی پژوهش نشان می‌دهد و در این پژوهش مورد تایید قرار گرفته است ارتباط مثبت و معنی داری بین هوش معنوی و شهروندی بوم شناختی وجود دارد. همچنین بین شهروندی بوم شناختی و مولفه‌های چهارگانه هوش معنوی ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد. با توجه به اینکه، ماهیت اصطلاح بوم شناسی را مطالعه سیستم‌های طبیعی در سطحی می‌دانند که در آن انسان‌ها با کل موجودات زنده به عنوان اجزایی از یک سیستم با هم در کنش متقابل هستند. این کنش متقابل هم بین خود اجزا و هم بین عوامل غیرزنده محیط برقرار است (Erlhoff & Marshall, 2008). لذا، اصل بوم شناسی زمانی می‌تواند تحقق یابد که دیدگاه جامع نگرانه و کلی نسبت به موجودات وجود داشته باشد و اولین مولفه هوش معنوی نیز یعنی جامع‌نگری و بعد اعتقادی به صورت کاملاً آشکار بر این موضوع تاکید دارد.

مطابق تعریف دابسون از شهروندی بوم شناختی، می‌توان گفت که، اصول و اساس شهروندی بر وظایف و تعهدات غیرمتقابل مبتنی است یعنی همان مسئله‌ای که هوش معنوی بر آن تاکید دارد. شهروندی بوم شناختی تاکید بر این نکته دارد که شهروندان بتوانند در ارتباط متقابل با محیط اطراف خود به سوی جامعه پایدار حرکت کنند و این امر جز با توجه به

جامع‌نگری و بعد اعتقادی که از مولفه‌های هوش معنوی است میسر نخواهد شد.

مطابق دیدگاه بنسون، بدون آموزش صحیح مباحث معنوی و اعتقادی، در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هر چه از تباه شدن محیط زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، سودمند نخواهد بود (بنسون، ۱۳۸۲). باهرو هم رستگاری بومی را مساله‌ای مذهبی تلقی نموده، ناشی از رحمت خدا می‌داند و معتقد است که بشر نیازمند معنویت و روحانیت و تولد عصر طلایی جدیدی است که اصالت را در انسان پرورش دهد. مادر نیز بر گرایش دینی با پایداری و حفاظت منابع طبیعی تاکید داشته و استدلال می‌کند که حفاظت از منابع در فلسفه و مذهب ریشه دارد.

همچنین یافته‌های این پژوهش یا نتایج تحقیق صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱)، صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۳) و جاگرز و ماتی (۲۰۱۰) همخوانی دارد که در پژوهش خود بیان کرده‌اند که، پایه اساسی شهروندی بوم شناختی مبتنی بر مجموعه‌ای از ارزش‌های بنیادی است که هنجارهای رفتار شخصی و پذیرش سیاست‌های حمایتی زیست محیطی را معین می‌کند. اما، با نتایج پژوهش نواح و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی ندارد که نتایج آن حاکی از عدم ارتباط معنی دار بین دینداری و رفتار زیست محیطی بود. همچنین یافته دیگر پژوهش نواح و همکاران (۱۳۹۰) که بر وجود ارتباط معنی دار بین دینداری و ارزش زیست محیطی را استنباط کرده بود با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. البته لازم به ذکر است که شهروندی بوم شناختی آمیزه‌ای از رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با شهروندی بوم شناختی است که تمام جنبه‌ها را همزمان مورد توجه قرار می‌دهد.

دیگر یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که، چهار مولفه هوش معنوی با استفاده از روش گام به گام وارد تحلیل رگرسیونی شدند، که در نهایت دو مولفه جامع‌نگری و بعد اعتقادی و سجایای اخلاقی توانستند حدود ۲۷ درصد واریانس مربوط به شهروندی بوم شناختی را تبیین کنند و دو

شهری، ترجمه: افشین خاکباز، تهران: انتشارات تیسرا

امینی، م.؛ تمنایی فر، م. و نژاد، آ. (۱۳۹۳). «تحلیل جایگاه هوش معنوی در میان مجریان و دریافت کنندگان کتاب درسی دین و زندگی دوره متوسطه»، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال ۱۱، دوره دوم، ش ۱۶ (۴۳)، ص ۹۵-۱۰۹

امینی جاوید، ل.؛ زندی پور، ط. و کرمی، ج. (۱۳۹۴). «اثر بخشی آموزش هوش معنوی بر افسردگی و شادکامی دانش آموزان دختر»، زن و جامعه، س ۶، ش ۲، ص ۱۴۱-۱۶۸

بابایی اقدام، ف.؛ حسین زاده دلیر، ک. و صدرموسوی، م. (۱۳۸۶). «اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز»، مجله جغرافیا و توسعه، ش ۹، ص ۱۶۱-۱۸۰

بیدیعی، ع.؛ سواری، ا.؛ باقری دشت بزرگی، ن. و لطیفی زادگان، و. (۱۳۸۹). «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی»، اولین همایش ملی روانشناسی، تبریز: دانشگاه پیام نور

بنسون، ج. (۱۳۸۲)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه: محمد مهدی رستمی شاهرودی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست

زارع احمدآبادی، ح.؛ میرجلیلی، م. و شفیع رودپشتی، م. (۱۳۹۳). «ارتباط هوش معنوی و رفتار شهروندی سازمانی»، اخلاق در علوم و فناوری، س ۹، ش ۳، ص ۷۹-۸۹

ساتن، ف. (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه: صادق صالحی، تهران: سمت

صالحی، ص. و امامقلی، ل. (۱۳۹۱). «مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه موردی شهری و روستایی شهرستان سنندج)»، مسائل اجتماعی ایران، س ۳، ش ۱، ص ۱۲۱-۱۴۷.

مولفه توانایی تعامل با مشکلات و خودآگاهی از مدل رگرسیونی خارج شدند. بنابراین می توان گفت که، جامع نگری و بعد اعتقادی هوش معنوی با بیشترین بتا (۰/۳۵۱) بیشترین تاثیر را در تغییرات متغیر شهروندی بوم شناختی می تواند داشته باشد و با افزایش آن، می توان رفتارهای شهروندی بوم شناختی را در میان شهروندان تبریزی تقویت کرد.

همان طوری که از ابتدای این پژوهش عنوان گردید تنها راه رسیدن به جامعه پایدار در جوامع کنونی، وجود شهروندان بوم شناختی در هر جامعه ای می باشد و شهروندی بوم شناختی متعلق به دوره مابعد جهان شهری می باشد که ادعای پرورش شهروندان بوم شناختی با نگرش های فراملی و جهانی را دارد. از طرف دیگر، ماهیت شهروندی بوم شناختی، متکی بر وجود ارزش هایی است که شهروندان هر جامعه باید مجهز به ارزش هایی باشند که به رفتارهای بوم شناختی منجر می شود. هوش معنوی یکی از فاکتورهایی است که ارزش های اخلاقی و سجایای اخلاقی و نگرش جهان شهری را در شهروندان تسهیل و تقویت می کند. چنانچه یافته های این پژوهش نیز اثبات می کند هوش معنوی و ابعاد آن می تواند به عنوان یکی از پیش بینی کننده های شهروندی بوم شناختی در هر جامعه ای مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، برای رسیدن به جامعه پایدار و شهروندان بوم شناختی، پیشنهاد می شود که، تقویت هوش معنوی در شهروندان مورد توجه قرار گیرد که منجر به رفتارهای بوم شناختی در شهروندان خواهد شد. پرورش اخلاقی شهروندان و بهره مند ساختن آنان از سجایای اخلاقی و ارزش های مرتبط با جهان هستی و محیط زیست می تواند در راستای کمک به رفتارهای بوم شناختی شهروندان موثر باشد. همچنین، القا نگرش کل گرایانه و سیستمی تاثیر چشمگیری در نگرش بوم شناختی شهروندان خواهد داشت که این امر می تواند از طریق رسانه های جمعی و اجتماعی مورد اقدام قرار گیرد.

منابع

استیونسون، ن. (۱۳۹۲). شهروندی فرهنگی؛ مسائل جهان

- et_al.pdf
- Delanty, G. (2007) *Theorizing citizenship in global age, in globalization and citizenship: The transnational challenge*, by Hudson, W. and slaughter S., Routledge, Taylor and Francis group.
- Dobson, Andrew & Bell, Derek (2006) *Environmental citizenship*, The MIT Press Cambridge, Massachusetts London, England)
- Dobson, Andrew, (2007) "Environmental Citizenship: Towards Sustainable Development", *Sustainable Development*, 15: 276-285
- Dunlap, R. E. & Jones, R. E. (2002) 'Environmental Concern: Conceptual and Measurement Issues' In Dunlap, R. E. and W. Michelson (Eds.) *Handbook of Environmental Sociology*, 482-524. Westport, London: Greenwood Press.
- Erlhoff, Michael & Marshall, Tim. (2008) *Design Dictionary, perspectives on Design Terminology*, Birkhauser
- Gil, Camille (2008) *Civil disobedience: The roadmap to Ecological Citizenship*, A thesis submitted to Lund University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science, Lund University
- Jagers, Sverker C. Matti, Simon (2010) "Ecological Citizens: Identifying Values and Beliefs that Support Individual Environmental Responsibility among Swedes", *Sustainability*, 2: 1055-1079.
- Kelly, Jennifer Rebecca & Abel, Troy D. (2012) "Fostering Ecological Citizenship: The Case of Environmental Service-Learning in Costa Rica", *International Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, 6(2): 16.
- Mead, M Emily, (2013) *Promoting Lasting Ecological Citizenship Among College Students*, M. A. Thesis in Environmental Policy Design, Lehigh University, available in <http://preserve.lehigh.edu/etd>
- Nally, Mary J. V. (2010) *Citizen Sprouts: Exploring the Relationship between Participation in Community Gardens and Ecological Citizenship*, M. Sc. Thesis for the College of Arts and Sciences of Ohio University
- Sisk, D. A. (2008) "Engaging the Spiritual Intelligence of Gifted Students to Build Global Awareness in Classroom", *Roeper*, 30: 24-30.
- Smith, Mark j. (1998) *Ecologism: Towards ecological citizenship*, Minneapolis: University of Minnesota Press
- Wigglesworth C. (2011) *Spiritual Intelligence and Why It Matters*. Available at: <http://www.innerworkspublishing.com/news/vol22/intelligence.htm>.
- صالحی، ص. و پازوکی نژاد، ز. (۱۳۹۳). «تحلیل اجتماعی نقش شهروندی محیط زیستی در مقابله با پیامدهای تغییر آب و هوا»، *مطالعات جامعه شناختی شهری*، س ۴، ش ۱۱، ص ۱۲۷-۱۴۸
- صالحی، ص. و کریم‌زاده، س. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر ارزش‌های زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی (مطالعه مناطق شهری ارومیه)»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۵، ش ۲، ص ۶۱-۷۶
- کهیل، م. (۱۳۸۷). *محیط زیست و سیاست اجتماعی*، ترجمه: حسین حاتمی نژاد و سهراب امیریان، تهران: دانشگاه تهران
- نرگسیان، ع. (۱۳۹۳). *مطالعات شهروندی؛ رویکرد شهروند مدار به مدیریت دولتی*، تهران: دانشگاه تهران
- نواح، ر؛ فروتن‌کیا، ش. و پورترکارونی، م. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، *مطالعات شهری*، س ۱، ش ۱، ص ۷۷-۹۸
- یزدخواستی، ب؛ حاجیلو، ف. و علیزاده اقدم، م. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سواد بوم شناختی با ردپای بوم‌شناختی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز)»، *مطالعات جامعه شناختی شهری*، س ۳، ش ۷، ص ۷۷-۱۰۴
- هانیکان، ج. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه: موسی عنبری، انور محمدی و میلاد رستمی، تهران: دانشگاه تهران
- Ahmad, Abdul Latiff, Rahim, Samsudin A., Pawanteh, Latiffah & Ahmad, Fauziah (2012) "The Understanding of Environmental Citizenship among Malaysian Youths: A Study on Perception and Participation", *Asian Social Science*, 8(5):85-92.
- Barry, J. (1999) *Rethinking green politics*, London: sage
- Berkowitz, A. Ford, M. and Brewer, C. (2004) *A framework for integrating ecological literacy, civics literacy and environmental citizenship in environmental education*, from www.bioed.org/pubs/EE_chapter_berkowitz_